



نویسنده : والدن بیلو «Walden Bello»

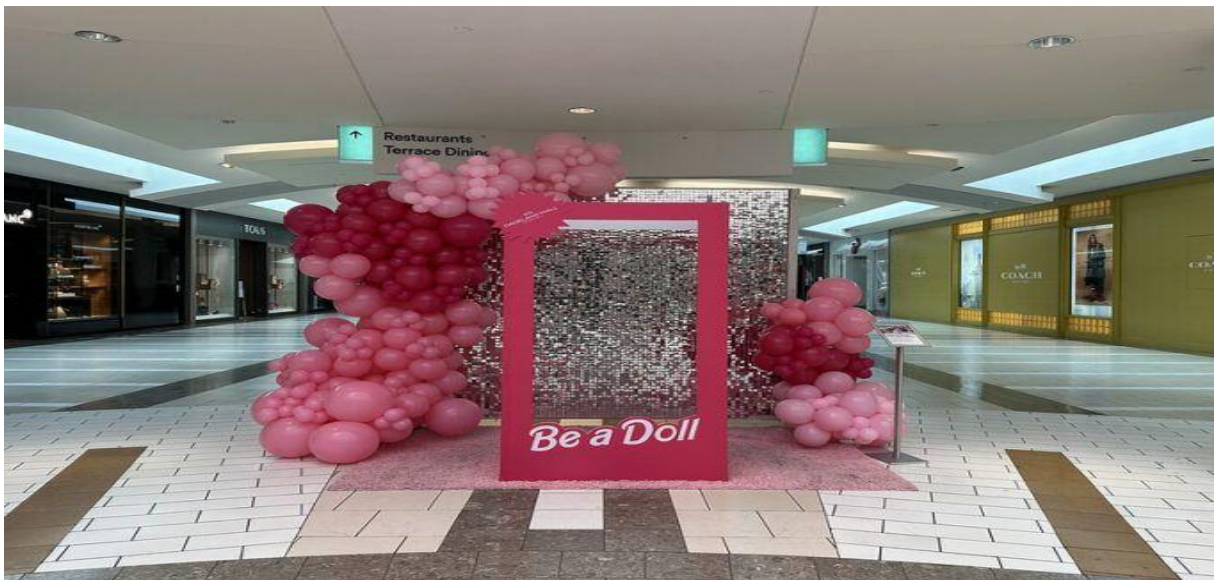
منبع و تاریخ نشر : کونتر پانچ «2023-08-24»

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

**مارکسیسم برای نسل Z : آیا باریبی قصد دارد دنیا را
تغییر دهد یا فقط زندگی خودش را؟**

**Marxism for Generation Z : Is Barbie Out to
Change the World or Just Her Own Life?**

توضیح : نسل زید یعنی : روبرتا کاتز، محقق دانشگاه استنفورد،
می‌گوید: نسل Z، اولین نسلی که هرگز جهان را بدون اینترنت
شناخت، برای تنوع و یافتن هویت‌های منحصر به فرد خود ارزش
قائل است .



منبع عکس : Phillip Pessar – CC BY 2.0

من بالاخره متوجه شدم کارگردان «**گرتا گروینگ رتا**» در فیلم **باربی** خود که **مارگوت رابی** را در نقش عروسک بزرگسال **باربی** بازی می‌کند، چه کاری انجام داده است. او قرار است درسی در مارکسیسم بدهد، نوعی آب نبات که فکر می‌کند برای نسل **Z** خوشایند است. در یک سطح، **باربی** فیلمی است که هدف آن جمعیتی است که در حال بلوغ است، «بحران‌های وجودی» آنها را حل می‌کند، و این موضوع را با یک پایان کلیشه‌ای هالیوود حل می‌کند. اما سطح عمیق‌تر دیگری نیز وجود دارد و هدف آن ناخودآگاه نسل **Z** است. در بیشتر موارد، این دو سطح تا انتها به صورت موازی و هماهنگ پیش می‌روند - اما اجازه دهید آن را برای بعد بگذاریم.

برای درک کامل کاری که **گروینگ** می‌کوشد انجام دهد، باید از یک متن همراه استفاده کنید، تزه‌های مارکس درباره فویرباخ، متن اصلی که در آن مارکس افکار فیلسوف لودویگ فویرباخ را که او را از **G.W** جدا کرده بود، نقد کرد. ایده آلیسم هگل، که واقعیت تجربی را بازتابی کم‌رنگ از «روح» می‌دانست، سنت فلسفی که بسیار به افلاطون می‌رسد. بیایید با پایان نامه چهارم شروع کنیم. مارکس نوشت:

فویرباخ از واقعیت از خود بیگانگی دینی شروع می‌کند، یعنی تکرار جهان به دنیای دینی و سکولار. کار او عبارت است از تجزیه جهان دینی به پایه سکولار آن. اما این پایه سکولار خود را از خود جدا می‌کند و خود را به عنوان قلمرو مستقلی در ابرها تثبیت می‌کند، تنها با شکاف‌ها و تضادهای خود در این پایه سکولار قابل توضیح است. بنا براین، دومی باید به خودی خود هم در تضاد درک شود و هم در عمل متحول شود.

باربیلند دنیای مذهبی است که مارکس از آن صحبت می‌کند، «قلمرو مستقل در ابرها» که در آن تمام تضادهایی که در واقعیت وجود دارند به طرز جادویی ناپدید می‌شوند. این فرافکنی سوژه انسانی از دنیای واقعی است که تضادها، تضادها و بحران‌های دنیای واقعی را پشت سر می‌گذارد. بیایید به پایان نامه هشتم برویم، جایی که مارکس ادعا می‌کند: «همه زندگی اجتماعی اساساً عملی است. تمام اسراری که نظریه را به عرفان سوق می‌دهد، راه حل عقلی خود را در عمل انسانی و در درک این عمل می‌یابد.»

با وجود اینکه این یک دنیای ایده‌آل است، **باربی** لند به طور یکپارچه ساخته نشده است. بشکافی در دنیای **باربی** وجود دارد - او از خواب بیدار می‌شود و متوجه می‌شود که سلولیت و کف پایش صاف است - و مجبور می‌شود به زمین بیاید تا "رفع" شود و متوجه می‌شود که جهان پر از تضادها و درگیری‌هایی است که نخبگان، مدیران کت و شلوار مشکی مثل، نمی‌خواهند مردم با تمرکز بر روابط ایده‌آل باربیلند، با آنها دست و پنجه نرم کنند و به طور جمعی حل کنند. ظاهر غیرمنتظره **باربی**، تعادل طولانی مدت بین ایده‌آل و واقعی را تهدید می‌کند.

او در تریازده، نقل شده ترین متن مارکس، میگوید: «فیلسوفان فقط جهان را به طرق مختلف تفسیر کرده‌اند. نکته این است که آن را تغییر دهیم.»

سفر باری به دنیای واقعی او را روشن می‌کند و او به دنیای ایده آل باز می‌گردد تا دنیای ایده ها را برای انعکاس دنیای واقعی اصلاح کند. او در باریلند معادل اصلاحات پروتستانی روی صحنه می‌رود. او برنده می‌شود، اما دیگر علاقه‌ای ندارد که فقط مارتین لوتر باشد، بلکه صرفاً در نبرد الهیات پیروز شود. او تصمیم می‌گیرد به دنیای واقعی بازگردد تا آن را تغییر دهد. او می‌خواهد مارتین لوتر کینگ باشد.

اینجا است که دو سطح فیلم با هم تضاد پیدا می‌کنند. فیلم با بازگشت باری به زمین برای دیدن یک متخصص زنان به پایان می‌رسد. متعجب؟ اینجا چیزی اشتباه است اما این باری نیست. بگرتا است. به هر حال، این هنوز هالیوود است و گروینگ نمی‌تواند در برابر سوسه پایان هالیوودی که تمام آن دلارها را به همراه دارد، مقاومت کند و او پنهان را در گیشه نیز شکست دهد. اما در این زمان نسل Z به گروینگ نیا زی ندارد تا باری را تا پایان منطقی توسعه سیاسی خود دنبال کند. آن‌ها در واقع می‌دانند که او از بازدید از پزشک زنان به عنوان یک طعمه استفاده می‌کند، از در کناری خارج می‌شود، به مقر ما تل می‌رود، گول سرمایه داری که باری و دنیای ایده آل او را خلق کرده است، آروا را به هم فشار می‌دهد تا عزم خود را نشان دهد. برای انجام ماموریت خود در حالی که او در یک محو شدن آهسته ناپدید می‌شود.

چند سطری در مورد نویسنده این مقاله :

والدن بلو (زاده ۱۹۴۵ در مانیل) یک جامعه شناس و سیاستمدار فیلیپینی (اکبایان) است. او استاد دانشگاه فیلیپین و منتقد جهانی شدن است.



والدن بلو

----- **با تقدیم احترام «30-08-2023»**